



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
د افغانستان د بشر د حقونو خپلواک کمیسیون
AFGHANISTAN INDEPENDENT HUMAN RIGHTS COMMISSION

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان حق آزادی بیان و تشکیل اجتماعات

فهرست مطالب

۱	حق آزادی بیان و تشکیل اجتماعات:
۱	حق آزادی بیان
۲	حق آزادی بیان در اسناد حقوقی بین‌المللی و قوانین کشور
۲	اسلام و آزادی بیان
۴	نتیجه‌گیری:
۴	سفارش‌ها:
۴	حق تشکیل اجتماعات و احزاب
۵	حق تشکیل اجتماعات و احزاب در اسناد بین‌المللی و قوانین کشور
۵	حق تشکیل اجتماعات و احزاب از دیدگاه شریعت اسلامی
۶	نتیجه‌گیری:
۶	سفارش‌ها:

حق آزادی بیان و تشکیل اجتماعات:

مفاهیم حقوق بشری از ابتدای تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و حتی قبل از آن همیشه در محراق توجه دانشمندان و صاحب‌نظران قرار داشته است. عده‌ای آن را جهانی و وابسته به انسان بدون در نظر داشت قیود زمانی، مکانی، نژادی و امثال آن دانسته‌اند، اما عده‌ای معتقد به وابستگی این ارزش‌ها به یک فرهنگ خاص شده‌اند و تحمیل و پذیرفتن آن بر سایر جوامع دارای فرهنگ‌های مختلف را درست نمی‌دانند. هر دو نظریه طرفدارانی دارند که بحث در این مورد از حوصله این گفتار بیرون است، اما در کشور های دارای نفوس اکثریت مسلمان، این قضیه رنگ‌وبوی خاص‌تر گرفته است و بعضی اوقات دغدغه‌هایی ایجاد کرده است که گویا اصول حقوق بشری از جمله ارزش‌های بیگانه و غربی است که با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی نآشنا بوده و بر کشور های اسلامی تحمیل گردیده است. بحث در مورد این که آیا این ارزش‌ها واقعاً از ارزش‌های تحمیلی غرب بر جوامع اسلامی است و یا این ارزش‌ها انسانی و جهانی بوده و تمام انسان‌ها به محض انسان بودن، مستحق آن می‌باشند و ربطی به فرهنگ غرب نداشته موضوعاتی است که تعدادی کثیری دانشمندان پیرامون آن سخن گفته‌اند، و مهم‌تر این که در نصوص و آموزه های اسلامی این ارزش‌ها به شکل وسیع انعکاس یافته‌اند که این موضوع نظریه جهانی بودن ارزش‌های حقوق بشری را در جایگاه برتری قرار می‌دهد.

از جمله این حقوق و ارزش‌ها حق آزادی بیان و حق برگزاری آزادی اجتماعات را می‌توان نام گرفت که اکثراً در جوامع اسلامی از طرف بعضی منتقدان به چالش کشیده می‌شود.^۱ از این جهت به پرسش‌هایی برمی‌خوریم که ریشه این حقوق و ارزش‌ها در کجاست؟ موقف اسلام در مورد این ارزش‌ها چیست؟ آیا این ارزش‌ها از جمله حقوق پذیرفته شده تمام شهروندان در یک جامعه اسلامی است و یا تعداد محدودی حق استفاده از این حقوق را داشته و دیگران محروم‌اند؟ و یا اگر استفاده از این حقوق، به ویژه حق آزادی بیان، حق تمام شهروندان است، آیا ساحاتی هست که باید از آزادی بیان درامان باشد؟ و یا هم برعکس این حقوق و ارزش‌ها خود مقدس شمرده شده و از تعرض مصون محسوب شوند. در این نوشته به بررسی این گونه پرسش‌ها در رابطه به ارزش‌های متذکره در پرتو اسناد بین‌المللی، قوانین نافذ کشور و اصول و مبانی شریعت اسلامی پرداخته خواهد شد.

حق آزادی بیان

آزادی بیان به معنای نبود هر نوع مانع برای اشخاص و گروه‌هاست تا آن‌ها بتوانند فکر و عقاید خویش را بدون سانسور با دیگران شریک سازند، مشروط به این که دیگران را مجبور به شنیدن و یا توجه کردن به آن‌ها نساخته و تجاوز به حقوق و شهرت نیک اشخاص دیگر نکنند.^۲ بعضی‌ها معتقدند که آزادی بیان عبارت است از رفتار سیاسی مردم و تأثیرگذاری آنان به وسیله اظهار دیدگاه‌های خود بر تصمیمات و عملکردهای دولت‌مردان، که این رفتار در قالب‌های آزادی قلم و مطبوعات و آزادی رسانه‌های دیداری و شنیداری در قلمرو قانون تجلی پیدا می‌کند.

براین اساس آزادی بیان از حقوق طبیعی و اساسی بشر بوده و یکی از راه‌های بسیار مؤثر و عملی برای تأمین عدالت اجتماعی و آوردن اصلاحات مثبت در جامعه می‌باشد. دانشمندان حقوق بشر معتقدند که انسان آزاد آفریده شده و حق دارد که آزادانه بیندیشد و ثمره اندیشه و فکر خویش را با دیگران شریک سازد. از طریق آزادی بیان می‌توان در مقابل ظلم و بی‌عدالتی صدا بلند کرد و روش‌های استبدادی زمامداران خودکامه را مهار نموده و با استفاده از این حق شهروندان در مقابل ظلم و نابسامانی صدا بلند می‌نمایند. از جانب دیگر جوامع بشری همیشه در تکاپو و تحول بوده و حقایق جدیدی در عرصه‌های مختلف کشف می‌گردد. آزادی بیان بستر مناسب برای رشد فکری جامعه بشری بوده و راه مناسب برای تبادل معلومات و وسیله مؤثر و مناسب در عرصه پیشرفت دانش شمرده می‌شود. براین اساس اهداف اساسی در تأمین این حق عبارت‌اند از: (۱) کشف و بیان حقایق (۲) رشد و انکشاف علمی بشر.^۳ از این جهت آزادی بیان به مثابه یک حق بشری در اسناد حقوقی بین‌المللی و قوانین نافذ کشور تسجیل گردیده تا مراعات و تأمین آن در ساحة عمل تضمین گردد.

۱. این موضوعات اکثراً تحت عناوین جهانی بودن حقوق بشر و یا هم نسبی بودن فرهنگی مفاهیم حقوق بشری بحث می‌شوند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به Malin Delling, Islam and Human Rights, p 14 also see Tibi Bassam, Islam between Culture and Politics & Tergel Alf, Human Rights in Cultural and Religious Tradition, Acta University, P 94.

۲. Bhat, Ali Muhammad (2014), Freedom of Expression from Islamic perspective, IUST Awantipora, India, P 71

۳. Kamali, Mohammad Hashim (1997), Freedom of Expression in Islam, Islamic Texts Society, Cambridge p 8

حق آزادی بیان در اسناد حقوقی بین‌المللی و قوانین کشور

حق آزادی بیان و عقیده در اسناد بین‌المللی به شکل وسیع انعکاس یافته و ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در زمینه چنین صراحت دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، با تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.»^۴ همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمینه چنین صراحت دارد: «۱. هیچ‌کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و تحویف قرار داد. ۲. هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب دانش، تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل، بدون توجه به چگونگی ارائه آن به طور زبانی یا نوشتاری یا چاپی و در شکل هنری یا به هر وسیله دیگری که خود انتخاب می‌کند، می‌باشد. ۳. اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است. بنابراین، ممکن است تابع محدودیت معینی قرار گیرد که در قانون تصریح شده و فقط بنابه ضرورت‌های ذیل و به وسیله قانون انجام گیرد: الف) احترام حقوق و حیثیت دیگران. ب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت اخلاق عمومی.»^۵ مانند این در اسناد و اعلامیه‌های متعددی بین‌المللی اصل آزادی بیان به شیوه‌های مختلف تسجیل گردیده که شاید جامع‌ترین متن در این زمینه ماده ۱۴ اعلامیه حقوق ۱۹۴۶ فرانسه باشد که چنین تصریح می‌نماید، «هر شخص آزاد است سخن بگوید، بنویسد، چاپ کند و انتشار دهد و هرگونه افکاری را تا جایی که از این حق سوءاستفاده نشود و به آزادی‌های تضمین شده در این اعلامیه یا حسن شهرت دیگران لطمه وارد نگردد، از راه مطبوعات و یا از طرق دیگر بیان نماید یا به نشر دهد.»^۶

همچنین قانون اساسی کشور اصل آزادی بیان را نیز به رسمیت شناخته و چنین صراحت دارد: «آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد. احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می‌گردد.»^۷ تسجیل این حق در قانون اساسی نشانه‌ای واضح از اهمیت این موضوع در جامعه افغانستان می‌باشد. اما مانند اکثر حقوق و آزادی‌های اساسی، این حق هم مطلق نبوده و در قوانین مرتبط به تفصیل به شرایط و معیارهایی پرداخته شده که باید در وقت استفاده از این حق مراعات گردند. قابل ذکر است که وضع شرایط و محدودیت‌ها در این عرصه باید تا حدی باشد که اصل آزادی بیان مسخ نشده و اهداف اصلی که در تأمین این حق مطمح نظر است، صدمه نبیند.

براساس حکم ماده ۳۴ قانون اساسی و تأمین هرچه بهتر حق آزادی بیان و تنظیم فعالیت رسانه‌ها، دولت جمهوری اسلامی افغانستان قانون رسانه‌های همگانی را تصویب نمود که در آن شیوه استفاده از این حق و نحوه فعالیت رسانه‌های نوشتاری، دیداری و شنیداری تنظیم گردیده است.

اسلام و آزادی بیان

با توجه به نصوص قرآنی و احادیث نبوی درمی‌یابیم که آزادی بیان یک اصل قابل قبول در شریعت اسلامی بوده و نصوص متعددی اسلامی گواه این موضوع است. به طور مثال خداوند متعال می‌فرماید: «الرَّحْمَنُ الَّذِي عَلَّمَ الْقُرْآنَ [الْإِنْسَانَ] عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»؛^۸ یعنی خداوند رحمن قرآن را تعلیم نمود و انسان را آفرید و به او بیان را آموخت. دیده می‌شود که از نعمت‌های الهی برای انسان‌ها قدرت بیان فکر و اندیشه می‌باشد و نظر به متن آیه فوق این قدرت به همه افراد انسانی داده شده و باید همه از آن مستفید گردند. در پهلوی این، در قرآن کریم سوره‌ای هست به نام «قلم» که در شروع آن خداوند متعال به قلم و آنچه که می‌نوسید قسم یاد کرده است.^۹

همچنین در آیات متعدد قرآن کریم می‌خوانیم که شیطان با وصفی که یک موجود سرکش و رانده شده شناخته شده، اما باز هم از حق بیان و استدلال برخوردار بوده است: «قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»؛^{۱۰} ترجمه: خداوند برای شیطان فرمود چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را مانع شد از این که به آدم سجده کنی؟ شیطان گفت من از او بهترم، مرا از آتش

۴. اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۹

۵. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوبه ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶، ماده ۱۹

۶. اعلامیه حقوق ۱۹۴۶ فرانسه، ماده ۱۴

۷. قانون اساسی افغانستان (۱۳۸۲) ماده ۳۴

۸. قرآن کریم، سوره الرحمن، آیات ۱-۴

۹. قرآن کریم، سوره القلم، آیه ۱

۱۰. قرآن کریم، سوره اعراف آیه ۱۲

آفریدی و او را از گل آفریدی.» دیده می‌شود که خداوند متعال به شیطان با وصفی که یک موجود رانده شده است، حق آزادی رأی و عقیده داده تا عقیده و نظر خویش را بیان نماید.

هم‌چنین در جای دیگر قرآن کریم در رابطه به آزادی بیان چنین می‌فرماید: «... بَشْرُ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»^{۱۱}؛ ترجمه: بندگان مرا بشارت ده، آن‌هایی که به سخنان گوش می‌دهند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند. آنان کسانی‌اند که خداوند هدایت‌شان کرده، و آنان عاقلان و خردمندان‌اند.» خداوند متعال در این آیه مبارکه چه زیبا فرموده که بشارت الهی نصیب اشخاصی است که به هر نوع سخن گوش می‌دهند، ولی بعد عاقلانه تصمیم می‌گیرند و از بهترین سخنان پیروی می‌کنند. در ذکر کلمه «قول» در آیه مذکور یک باریکی وجود دارد و آن این‌که خداوند با بشارت دادن، بنده‌های خود را تشویق می‌نماید تا قول، یعنی هر نوع سخن را بشنوند و بعد عاقلانه و مستدل سخنان حق را بپذیرند و از آن پیروی نمایند و این روش را مطابق هدایت الهی دانسته و عاقلانه خوانده است. در این آیه مبارکه نکته‌های ذیل قابل توجه است:

کلمه «قول» یعنی سخن به چه معنی می‌باشد؟ آیا تمام انواع بیانات و اظهار عقیده را شامل می‌شود و یا تنها بر سخنان و بیانات مشخص اطلاق می‌گردد؟

تفسیر قرطبی از ابن عباس رض روایت می‌نماید که مراد آن اشخاصی است که به سخنان و بیانات خوب و زشت هر دو گوش می‌دهند و بعد از بیانات خوب و مفید عاقلانه و آگاهانه پیروی می‌نمایند.^{۱۲} هم‌چنین تفاسیر معتبری چون تفسیر روح‌البیان و تفسیر فتح‌القدیر تصریح می‌نمایند که شخص باید سخنان حق و باطل و خوب و زشت هر دو را بشنود و بعد سخنان حق و خوب را براساس استدلال و تعقل متابعت و از سخنان باطل و زشت خودداری نماید.^{۱۳} با توجه به اقوال مفسرین فوق، واضح می‌شود که کلمه قول به معنی عام و مطلق آن بوده و شامل شنیدن هر نوع سخن و بیان، چه حق و چه باطل و چه زشت و یا زیبا را می‌گردد.

آیا هر شخص در جامعه حق اظهار عقیده و بیان را دارد و یا هم تعداد محدود و مشخص می‌توانند سخن بگویند و باقی مردم از حق بیان محروم هستند؟

با توجه به بحث بالا، پاسخ این پرسش هم روشن می‌گردد که آیا حق آزادی بیان حق همه اشخاص ساکن در یک جغرافیا تحت نام شهروند است و یا این حق خاص برای تعدادی از شهروندان است و دیگران از این حق محروم می‌باشند. در تفسیر آیه کریمه فوق، در رابطه به موضوع صاحب تفسیر طبری چنین می‌فرماید که مقصد «شنیدن سخن و بیان از هر گوینده‌ای می‌باشد»^{۱۴}، یعنی گوینده سخنان خوب و گوینده سخنان زشت. به این توضیح که بدون قید و شرط هر شخص حق بیان اندیشه‌های خویش را دارد، تا شنونده حق انتخاب به قبول سخنان حق و عدم پذیرش سخنان باطل را داشته باشد.

مفسر بزرگ جهان اسلام، فخرالدین رازی ضمن تفسیر آیه مذکور اشاره می‌نماید که این آیه دلالت به فایده‌ای دارد و آن واجب بودن استدلال و منطق است، به این دلیل که خداوند متعال هدایت و رستگاری انسان را مرتبط به شنیدن هر نوع سخن دانسته و بعد از شنیدن انواع مختلف بیانات، انسان مختار است که بهترین سخنان و حقایق را بپذیرد. واضح است که تشخیص و تمییز سخن خوب از بد و حق از باطل بدون شنیدن آن‌ها ممکن نیست.

هم‌چنین در روایات متعددی از آن حضرت ص می‌خوانیم که در پاسخ این پرسش که برترین جهاد کدام است، فرمودند، بهترین و برترین جهاد بیان حقایق در نزد پادشاه مستبد و ستمگر است.^{۱۵} در حدیثی دیگر از حضرت ابوذر غفاری روایت شده که از آن حضرت تقاضا نمودند تا برای‌شان توصیه‌هایی نماید، آن حضرت برای‌شان هفت توصیه نمودند که یکی از آن نصیحت‌ها، بیان حقیقت است اگرچه شنیدنش تلخ هم باشد.^{۱۶} در حدیثی دیگر می‌خوانیم که آن حضرت در توصیف حضرت عمر رض فرمودند که عمر حق را بیان می‌نماید، اگرچه شنیدنش تلخ باشد.^{۱۷} هم‌چنین آن حضرت ص می‌فرماید: «وقتی حقیقتی را می‌شنوید و یا می‌بینید، باید آن را بیان نمایید، و ترس از اشخاص هرگز مانع شما از بیان حقیقت نشود.»^{۱۸} در جایی دیگری فرموده است: «هیچ صدقه‌ای نزد خداوند بهتر از بیان سخنان حق نیست.»^{۱۹}

^{۱۱} قرآن کریم، سوره زمر، آیه ۱۷-۱۸

^{۱۲} تفسیر قرطبی، جلد ۱۵ صفحه ۲۴۴

^{۱۳} تفسیر روح البیان جلد ۸ صفحه ۹۰ و تفسیر فتح القدیر، جلد ۴ صفحه ۵۲۳

^{۱۴} تفسیر الطبري = جامع البیان، جلد ۲۱، صفحه ۲۷۲

^{۱۵} سنن نسایی، حدیث شماره ۴۲۰۹ این روایت در سایر کتب حدیث وجود دارد.

^{۱۶} مسند احمد، (حدیث شماره ۲۱۴۱۵) جلد ۳۵، صفحه ۳۲۷ هم‌چنین صحیح ابن حبان جلد ۲ صفحه ۱۹۴

^{۱۷} سنن الترمذی، جلد ۶ صفحه ۷۵

^{۱۸} المعجم الصغير للطبرانی، جلد ۲ صفحه ۳۲ هم‌چنین المسند الموضوعی الجامع للکتب العشره، جلد ۳ صفحه ۲۶۵

^{۱۹} شعب الایمان، جلد ۷، صفحه ۱۶۱

این‌ها نمونه‌هایی از حق آزادی بیان و عقیده در فرهنگ غنی اسلامی می‌باشد که با ذکر چند نمونه از میان انبوه روایات در این زمینه اکتفا نمودیم.

نتیجه‌گیری:

از نصوص مذکور و نظریات مفسران ارجمند، قوانین نافذ کشور و اسناد حقوقی بین‌المللی اثبات می‌شود که: یکم، هر شخص حق دارد عقیده و نظریه خویش را بیان نماید. دوم، حق بیان محدود به اشخاص معین و مشخص نیست، بلکه هر انسان از این حق می‌تواند مستفید شود. سوم، اتباع جامعه حق شنیدن هر نوع سخن و اظهار عقیده را دارند، ولی باید از عقل سلیم کار گرفته و بهترین آن‌ها را بپذیرند. چهارم، هر شهروند در جامعه حق دارد حقیقت را بیان نماید، اگرچه شنیدنش برای بعضی اشخاص تلخ و ناخوش آیند باشد پنجم، بیان حقیقت و انتقاد از زمامداران مستبد موضوعی است که پیامبر ما به آن امر نموده و آن را برترین جهاد خوانده است. ششم، اسناد حقوقی بین‌المللی و قوانین نافذ کشور نیز این حق را به رسمیت شناخته و آن را یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای مهار استبداد زمامداران خودکامه و مستبد پنداشته است. و هفتم، این نکته نیز قابل ذکر است که هر قدر شهروندان فرصت بیان عقایدشان را داشته باشند، به همان اندازه قانون در جامعه حاکم گردیده و جلو زمامداران مستبد گرفته شده و ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌ها برملا و شناخته می‌شوند.

سفارش‌ها:

حق آزادی بیان و عقیده از جمله حقوقی است که در نصوص اسلامی تسجیل گردیده، و نمونه‌های زیادی در این مورد از زمان حیات پیامبر و هم از دوره خلفای راشدین داریم، بنابراین، هیئت مذاکره‌کننده بهتر است با استناد به این منابع در مقابل جانب مقابل استدلال نموده و تضمین این حق را از جانب مقابل یقینی نماید.

از آن‌رو که حق آزادی بیان و عقیده از جمله حقوق بشری و مسجل در اسناد حقوقی ملی و بین‌المللی می‌باشد، همکاران بین‌المللی و اعضای جامعه مدنی در مورد تفهیم و نهادینه کردن هرچه بهتر این حق در بین اقشار مختلف جامعه برنامه‌های آگاهی‌دهی وسیع را از طریق رسانه‌های دیداری و شنیداری و منابر مساجد به راه اندازند. درخور یادآوری است اگر برای علمای دینی فرصت بیشتر در این برنامه‌ها داده شود، مؤثریت بهتری خواهد داشت.

حق تشکیل اجتماعات و احزاب

حق آزادی اجتماعات و تشکیل احزاب به خاطر رسیدن اهداف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره از جمله حقوق و آزادی‌های گروهی انسان شناخته شده است و جلوگیری از آن مخالف مفهوم آزادی انسان است. این حق در شریعت اسلامی و اسناد ملی و بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است. البته این آزادی تا حدی مورد قبول است که به نظم عمومی جامعه ضرری نرساند. در مجموع دو نوع اجتماع و گروه‌هایی داریم که باید از همدیگر متمایز گردند: (۱) گروه‌هایی موقتی مانند تجمعات، تظاهرات، سخنرانی‌ها و غیره، (۲) گروه‌بندی‌های دائمی و دوامداری مانند تشکیل احزاب، باشگاه‌ها، انجمن‌ها و امثال آن. در گروه بندی قسم اول، آثار مخرب آن بر اهداف و مقاصد دولت بسیار قوی نبوده و از این جهت دولت‌ها هم مقررات سختگیرانه را در رابطه به این نوع گروه‌هایی و گروه‌بندی وضع نمی‌نمایند. اما در نوع دوم، آن هم در گروه بندی‌هایی که به خاطر مقاصد و اهداف بزرگ سیاسی تشکیل می‌گردد، مانند احزاب سیاسی، و هم تشکیلاتی که به تأمین منافع و مقاصد صنفی و اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌گردد، چالش بزرگی بر سر راه نظام‌های حاکم تلقی می‌گردد و از این جهت حکومت‌ها شرایط سختگیرانه‌تری را در تأمین این نوع گروه‌بندی‌ها وضع می‌نمایند.^{۲۰} در مجموع ضرورت و مفاد تشکیل اجتماعات و گروه‌بندی‌ها از هر نوعی که باشد برای شهروندان حق می‌دهد تا در مقابل نارسایی‌ها و ناملایمات، با تشکیل اجتماعات، تظاهرات، احزاب، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و امثال آن عکس‌العمل مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه نشان داده و زمامداران را به اصلاح اشتباهات و خطاهای‌شان متوجه سازند. هم‌چنین شهروندان می‌توانند از این طریق حضور فعال خویش را در صحنه سیاسی و اداره امور کشور تضمین نموده و اعمال هیأت حاکمه را ارزیابی نمایند. به‌علاوه، تأمین این حق شهروندان را قادر می‌سازد تا اجراءات زمامداران مستبد و دیکتاتور را مهار نموده و مانع حق تلفی و ناملایمات در جامعه گردند.^{۲۱}

^{۲۰} شریعت‌پناهی، ابوالفضل قاضی (۱۳۸۸) بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان، ص ۱۵۲

^{۲۱} رسولی، محمدشرف (۱۳۹۱ هـ)، تحلیل و نقد قانون اساسی افغانستان، جلد اول، کابل: انتشارات سعید، صفحه ۳۱۵

حق تشکیل اجتماعات و احزاب در اسناد بین‌المللی و قوانین کشور

تشکیل اجتماعات و احزاب برای رسیدن به اهداف مشروع و خدمت به مردم جزئی از موضوعاتی است که در اکثر کشورهای پیشرفته و دارای نظام مردم‌سالار به‌مثابه یک حق پذیرفته شده است، از این جهت حق تأسیس آزادانه جمعیت‌ها و گروه‌ها در اسناد حقوقی بین‌المللی، به‌ویژه در اعلامیه جهانی حقوق بشر، به‌حیث یک حق بشری تسجیل یافته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در زمینه چنین تصریح می‌نماید:

«۱- هر کس حق آزادی (تشکیل) اجتماعات با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌ها جهت حفاظت علاقه‌مندی‌ها و منافع خود می‌باشد. ۲- اعمال این حق تابع هیچ‌گونه محدودیتی نیست، مگر این‌که این محدودیت‌ها مطابق قانون و آن هم در یک جامعه دموکراتیک و به‌طور ضروری جهت نفع (مصلحت)، امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادی‌های دیگران باشد. این ماده مانع از آن نمی‌شود که اعضای نیروهای مسلح و پولیس در اعمال این حق، تابع محدودیت‌های قانونی باشند. ۳- هیچ‌یک از مقررات این ماده، دولت‌های طرف کنوانسیون ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی (تشکیل اتحادیه) را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ تدابیر قانونگذاری یا با نحوه اجرای قوانین به تضمین‌های مقرر در آن کنوانسیون لطمه وارد نمایند.»^{۲۲} دیده می‌شود که حق تشکیل تمام انواع اجتماعات و گروه‌بندی‌ها در چوکات قانون از جمله حقوق بشری تسجیل گردیده و ایجاد هر نوع محدودیت را در تعمیم این حق جایز نمی‌داند.

تشکیل و تأسیس احزاب و اجتماعات در قوانین افغانستان نیز تسجیل یافته است. قانون اساسی در این زمینه چنین صراحت دارد: «اتباع افغانستان حق دارند به‌منظور تأمین مقاصد مادی یا معنوی، مطابق به احکام قانون جمعیت‌ها تأسیس نمایند. اتباع افغانستان حق دارند مطابق به احکام قانون احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط به این‌که: (۱) مرامنامه و اساسنامه حزب، متناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزش‌های مندرج در قانون اساسی نباشد. (۲) تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد، (۳) اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد، (۴) وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد. تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جواز ندارد. جمعیت و حزبی که مطابق احکام قانون تشکیل می‌شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه باصلاحیت منحل نمی‌شود.»^{۲۳} به‌علاوه، قانون اساسی برای شهروندان حق راه‌اندازی گردهمایی، مظاهره و اجتماع را پذیرفته و چنین مشعر است: «اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح‌آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند.»^{۲۴} چنان‌که از متن ماده‌های فوق معلوم می‌شود، قانون اساسی حق تشکیل گروه‌ها، احزاب، اجتماع و مظاهرات را از جمله حقوق اساسی شهروندان پذیرفته و از آن حمایت نموده، ولی مانند سایر حقوق اساسی، این حق مطلق نبوده و مقید به شرایطی می‌باشد. از جمله برای احزاب رعایت احکام دین مقدس اسلام و قانون اساسی، علنی بودن تشکیلات و منابع مالی، داشتن هدف سیاسی، عدم داشتن تشکیلات و اهداف نظامی، عدم وابستگی به دولت و سایر منابع خارجی، سراسری بودن، عدم تأسیس حزب بر مبنای قوم، زبان و مذهب را جایز ندانسته است. مقنن تأمین این حق را با شروطی مقید ساخته که در قانون مربوط به‌طور مفصل تنظیم گردیده است.

حق تشکیل اجتماعات و احزاب از دیدگاه شریعت اسلامی

با توجه به نصوص و آموزه‌های اسلامی درمی‌یابیم که حق تشکیل اجتماعات و گروه‌بندی‌ها نه تنها هیچ ممانعت در اسلام ندارد، بلکه این حق در اسلام به‌شکل بسیار وسیع آن در طول تاریخ عملی گردیده است. خداوند متعال در صفات نیکوی مؤمنین چنین می‌فرماید: «... وَ أَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ...»^{۲۵} ترجمه: مؤمنین کارهای خویش را با مشوره پیش می‌برند. دیده می‌شود که تشکیل گردهمایی به مقصد بهبود امور از صفات نیک مسلمانان است. تشکیل اجتماع و گردهمایی برای رسیدن به مقاصد و اهداف مشروع از روش‌هایی است که در صدر اسلام به‌شکل وسیعی به تجربه گرفته شده است. یکی از بهترین مثال‌ها گرد همایی بعضی از اصحاب کرام در ثقیفه بنی‌ساعده است که بعد از رحلت آن حضرت صورت گرفت. چون مشکلی حاد در جامعه ظهور نموده بود، برای یافتن راه‌حل، تعدادی از اصحاب تشکیل اجتماع نمودند که این امر خود نشان می‌دهد که گردهمایی و تشکیل اجتماع برای رفع مشکلات جامعه از روش‌های معقول اسلامی می‌باشد. هم‌چنین فقهای اسلامی ساختار شورای حل و عقد را نیز از روش‌های حل معضلات جامعه تشخیص داده‌اند و موجودیت این ساختار خود بیانگر اهمیت تشکیل شورا و اجتماع برای حل معضلات جامعه می‌باشد.

^{۲۲}. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوب ۲۶ دسامبر ۱۹۶۶، ماده ۲۲

^{۲۳}. قانون اساسی افغانستان ۱۳۸۲، ماده ۳۵

^{۲۴}. قانون اساسی افغانستان ۱۳۸۲، ماده ۳۶

^{۲۵}. سوره شوری، آیه ۳۸

از جانب دیگر بعضی از شعائر دینی براساس اجتماع و گردهمایی پی‌ریزی شده است. در بعد جهانی بهترین مثال آن مراسم حج می‌باشد که یکی از بزرگترین اجتماعها و گردهماییها در سطح جهان می‌باشد. در بعد منطقه و محله، نمازهای پنج‌گانه، به‌ویژه نماز جمعه و ایراد نصیحت و موعظه به خاطر اصلاح جامعه و حل مشکلات مردم، نیز از بهترین مثالها برای تشویق و حمایت از حق اجتماعات و گردهماییها می‌باشد.

در رابطه به تشکیل احزاب و گروه‌بندی‌های دوامدار به خاطر رسیدن به اهداف سیاسی و صنفی باید گفت که این موضوع در آموزه‌های اسلامی به گونه‌های متفاوتی تجلی یافته است. به‌طور مثال، خداوند متعال می‌فرماید: «... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...»^{۲۶}؛ ترجمه: در راه تحقق نیکی و پرهیزکاری با هم کمک کنید و در راه گناه و دشمنی با هم کمک و همکاری ننمایید. از این آیه کریمه معلوم می‌شود که خداوند متعال بنده‌های خویش را امر فرموده است تا در راستای دادخواهی برای اعمال شایسته، تأمین عدالت، تحقق حقیقت همکار و مددکار باشند و در این راستا هم به‌شکل انفرادی و هم به‌شکل دسته‌جمعی (تشکیل احزاب، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و غیره) باهم همکاری نمایند. هم‌چنین ابن تیمیهرح در تشکیل حزب و گروه می‌فرماید که اگر یک گروه و یا حزبی مردم را به حق و خیر دعوت نماید، ایجاد چنین گروهی در جامعه اسلامی جواز دارد و مصداق آیه کریمه «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۲۷}؛ ترجمه: ایشان از گروه و حزب خداوند هستند، و بدون شک گروه خداوند رستگار هستند.»

نتیجه‌گیری:

با توجه به نصوص فوق و نظریات دانشمندان اسلامی و با استناد به قوانین ملی و اسناد حقوقی بین‌المللی، تشکیل اجتماعات، و ایجاد احزاب و گروه‌ها به خاطر اعمار جامعه مرفه، تحقق عدالت اجتماعی و در مجموع به خاطر تأمین مصالح اجتماع یک امر اسلامی و قانونی بوده و در بستر تاریخ و فرهنگ غنی اسلامی در کشورهای مختلف تجربه شده است. هویداست که تشکیل احزاب و اجتماعات و انجمن‌ها در کشورهای پیشرفته معمولاً نتایج مطلوب داده و در فراهم نمودن جامعه‌ای مرفه و آرام برای شهروندان‌شان مؤثر واقع گردیده است. پیروی از تجارب دیگران به خاطر به‌ترساختن وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شهروندان و اعمار یک جامعه مرفه هیچ منافاتی با اصول و آموزه‌های دینی ندارد.

از جانب دیگر، ما تعداد زیادی از فرقه‌های کلامی و مذاهب فقهی را در بستر تاریخ پربار اسلامی داریم که هر گروه خواسته تا معرفی بهتر از حقایق شریعت اسلامی به بشریت ارائه نماید، با وصفی که همه این گروه‌ها را نمی‌توان برحق دانست، اما نفس ایجاد این گروه‌ها و فرقه‌ها، خود نشانگر فرهنگ تشکیل گروه‌ها و اجتماعات برای کشف حقایق و یافتن راه راست برای جامعه بشری می‌باشد. بنابراین، تشکیل گروه و حزب به خاطر ترویج حقیقت و عملی شدن خواسته‌های بر حق مردم موافق با آیت قرآنی بوده^{۲۸} و با احکام قوانین ملی و اسناد حقوقی بین‌المللی نیز مغایرتی ندارد.

سفارش‌ها:

چون تشکیل احزاب، اجتماعات، اتحادیه‌ها و امثال آن، از یک جهت از تجارب موفق اکثر کشورهای دنیا در راستای ایجاد جامعه مرفه و تأمین حقوق اساسی شهروندان‌شان می‌باشد، و از جانب دیگر در موافقت با آموزه‌های اسلامی و اسناد حقوقی ملی و بین‌المللی است، هیئت مذاکره‌کننده می‌تواند در روشنایی منابع متذکره، جانب مقابل را در پذیرفتن این حق قانع ساخته و موافقت ایشان را در این راستا حاصل نماید.

در دهه‌های اخیر تشکیل احزاب، اجتماعات، اتحادها و نهادهای مماثل در افغانستان چندان موفق نبوده و بعضی اوقات حتی نتیجه منفی داشته است. این موضوع سبب شده است که دیدگاه مردم به فعالیت احزاب و تشکیلات مماثل مثبت نباشد. بنابراین، همکاران بین‌المللی و جامعه مدنی می‌توانند در استفاده درست و مؤثر از این حق با مؤسسان احزاب، اتحادیه‌ها و نهادهای مماثل همکاری و کمک کنند تا ذهنیت جامعه در استفاده از این حق به سمت مثبت تغییر یابد.

^{۲۶}. سورة المائدة، آیه ۲

^{۲۷}. سورة المجادلة، آیه ۲۲